

## چرایی حصر

### پاسخ به شبهات حصر خانگی از ۳ منظر تاریخی، سیاسی و قانونی

سال ۱۳۸۸ در سپهر سیاسی ایران اسلامی، سالی پر فراز و نشیب و ماندگار در تاریخ معاصر است. سالی که واکاوی روز به روز آن می‌تواند بهترین مصداق برای این کلام سردار مقابله با فتن امیرالمؤمنین علی(ع) باشد که فرمود: «از دگرگونی‌های زمانه عبرت آموزید و از هشدارها بهره گیرید.» اما چه خوب، خود فرمود: «وای که چه بسیار است عبرت‌ها و چه اندک است عبرت گرفتن‌ها»

یکی از موارد رخ داده در پی تحولات سال ۱۳۸۸ حصر دو نفر از کاندیداهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بود. در یادداشت در پی بررسی این حادثه از سه منظر تاریخی، قانونی و سیاسی هستیم، اما پیش از ورود بهتر آن است تا به برخی از اتفاقات رخ داده در سال ۱۳۸۸ بپردازیم تا فضای غبارآلود فتنه کمی روشن‌تر گردد و تشخیص حق از باطل برای ما سهل شود.

### مروری موردی بر تحولات رخ داده در جریان انتخابات ۱۳۸۸

یک روز پیش از انتخابات، میرحسین موسوی کاندیدای اصلی اصلاحات درخواست مصاحبه تایم را می‌پذیرد. در بخشی از گزارش تایم از این مصاحبه آمده است: «در جایگاه ریاست جمهوری، موسوی کمابیش به اندازه آیت‌الله علی خامنه‌ای قدرت نخواهد داشت؛ به خصوص در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی، اما او مؤکداً ابراز داشت که تجمعات خیابانی چشمگیر هفته‌های گذشته احتمالاً ماهیت ساختار قدرت را به نحوی بنیادین دگرگون خواهد ساخت و در واقع این اتفاق با فشار بر رهبر نسبت به پذیرش بیشتر افکار عمومی رخ خواهد داد. ما پرسیدیم اگر انتخابات را ببازد، آن وقت چه می‌شود؟ [او پاسخ داد:] تغییر از مدتی قبل آغاز شده است. تنها بخشی از آن به پیروزی در انتخابات مربوط می‌شود و بخش‌های دیگر ادامه خواهند یافت و هیچ عقبگردی در کار نخواهد بود.»

همچنین هیلاری کلینتون جمعه ۲۲ خردادماه پیش از شمارش آرا می‌گوید: «اینکه مردم ایران می‌خواهند صدا و آرای‌شان شنیده و شمرده شود علامت بسیار مثبتی است... امریکا از اظهارنظر درباره انتخابات ایران خودداری کرده است، اما مسلماً امیدوار است نتیجه آن بازتابی از اراده حقیقی و آرزوی مردم ایران باشد. ما خواستار شمارش آرا به صورت عادلانه و شفاف هستیم و از برخی گزارش‌های واسطه عمیقاً نگران هستیم.»

خبرگزاری فارس نیز در ۲۱ خرداد ۱۳۸۸ در خبری اعلام می‌کند: «ساعت ۲۱:۳۰ شب که هنوز نتایج به روشنی مشخص نبود در برخی قسمت‌های شهر تهران عده‌ای دست به تحرکات خشونت‌آمیز می‌زنند. در این اغتشاش عده‌ای

دستگیر می‌شوند که معلوم می‌شود فرماندهی این افراد را تاج زاده و امین زاده از اعضای سازمان مجاهدین و حزب مشارکت بر عهده داشته‌اند.»

موارد ذکر شده و مواردی دیگر از این قبیل که حتی از چند هفته مانده به انتخابات نیز شنیده می‌شد خبر از فتنه‌ای پیچیده می‌داد. این فتنه رسماً پیش از اعلام قطعی نتایج آرا از سوی وزارت کشور با بیانیه میرحسین موسوی آغاز گردید. او با قاطعیت اعلام کرد: «به اطلاع می‌رساند طبق گزارش‌ها و مستندات واصله به‌رغم تخلفات و کارشکنی‌های متعدد و نارسایی‌های گسترده، مستندات واصله حاکی از آن است که رأی اکثریت قاطع مردم متوجه این خدمتگزارشان بوده است. از مسئولان امر می‌خواهم در شمارش آرا نهایت دقت را بنمایند و اعلام می‌کنم در غیر این صورت از همه امکانات قانونی برای احقاق حقوق حقه ملت ایران اقدام خواهم کرد.»

### دستکش مخملی روی پنجه چدنی

حضور امریکا، اسرائیل و انگلیس در فتنه ۸۸ نقشی کلیدی دارد. مجله آلمانی شوایتس چهارشنبه ۲۷ خرداد در گزارشی می‌نویسد: «ایران در صدر کشورهای است که امریکا قصد دارد آنها را به زانو در آورد. امریکایی‌ها تلاش می‌کنند از درون بر ایران تأثیر بگذارند. به همین دلیل اپوزیسیون را به شدت حمایت می‌کنند. در میان این هزاران مخالف، تعدادی خلافتکار حرفه‌ای، تعدادی دانشجو، تعدادی روزنامه‌نگار و تعدادی عکاس نیز حضور دارند تا رژیم ایران را در تنگنا قرار دهند. برای این کار حتی کشته هم در نظر گرفته شده است تا تصویر نوعی خشونت افراطی منعکس گردد و صحنه‌ای کاملاً دراماتیک ارائه شود... مرکز اصلی برای سقوط تهران، واشنگتن است. در دو اتاق کوچک در آپارتمانی پشت کاپیتل در آنجا امیر عباس فخرآور ساکن است. او می‌خواهد شورش‌ها را در تهران سازماندهی کند و تقاضای کمک دارد... ۸۵ میلیون دلار که کابینه بوش برای تغییر رژیم تصویب کرده است که بخش زیاد آن به صدای امریکا و رادیو فردا پرداخته شده تا برای فراخواندن به شورش و برنامه‌سازی خرج کنند. سیا هم دلارهای زیادی می‌دهد. در دوی، لندن و فرانکفورت کارشناسان مسائل ایران نشست‌اند.»

از دیگر شواهد این همدستی می‌توان به کشف اتاق ضبط BBC فارسی در ستاد موسوی خبر داد. پس از کشف ستاد عملیات روانی ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی در یکی از برج‌های قیطریه متعلق به یکی از آقازاده‌های معروف، نحوه ارتباط تشکیلاتی ستاد انتخابات میرحسین موسوی با بی‌بی‌سی فارسی لو رفت. بر اساس گزارش‌ها، در ستاد مستقر در این برج که متعلق به «م. ه» است، استودیو ضبط برنامه‌های انتخاباتی کشف شد که متعلق به شبکه BBC فارسی بوده و این مکان برنامه‌های مکرر تلویزیونی برای پخش در این شبکه ضبط می‌شده است. لازم به ذکر است، مدیریت ستاد

عملیات روانی مذکور را محسن امین زاده از اعضای اصلی حزب مشارکت بر عهده داشته است. ارتباط تشکیلاتی BBC با ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی آنجا عمیق می‌شود که بدانیم سردبیری این شبکه تلویزیونی را فردی به نام علی اصغر رمضان‌پور بر عهده دارد که وی معاون فرهنگی عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت اصلاحات بوده است.

### ابعاد فتنه به نقل از سردار نجات

سردار نجات، جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران نیز در جلسه‌ای در جمع مسئولان بسیج دانشجویی کشور به تشریح ابعاد فتنه و نحوه مواجهه نظام با سران فتنه می‌پردازد. او در این نشست با اشاره به اسناد به دست آمده مبنی بر طراحی فتنه از مدت‌ها پیش از انتخابات می‌گوید: «در جریان فتنه اتاق‌های فکری تشکیل شد و این طور برنامه‌ریزی کردند که اگر ما در انتخابات پیروز شویم و هوادارانمان در خیابان باشند، می‌توانیم مطالبات دیگر را مطرح کنیم و اگر در انتخابات شکست خوردیم، باید با مطرح کردن تقلب در انتخابات، خواستار ابطال شویم و وقتی این خواسته محقق شد، در واقع پیروزی ما است و می‌توانیم مطالبات بعدی را هم مطرح کنیم... در آن مقطع یک جزوه ۴۰ صفحه‌ای به عنوان سند «تأملات راهبردی حزب مشارکت» در دفتر این حزب با آرم آنها به دست آمد که حاوی راهکار عبور از حکومت به اصلاح آنها توتالیتار به دموکراتیک اسلامی بود که چطور می‌توان با استفاده از تجربه انقلاب‌های مخملى در دیگر کشورها جریانی را علیه حاکمیت ایجاد کرد، نارضایتی‌ها را گسترش داد و اعتراضات مدنی را به وجود آورد... از مدت‌ها قبل از آن، مجموعه جلساتی در دفتر مهندس موسوی برگزار می‌شد و در این جلسات در خصوص راهکار عبور از حکومت مبتنی بر ولایت فقیه بحث کردند و بعدها که افرادی دستگیر شدند، صورت جلسات آنها به صورت تایپ شده در اختیار ما قرار گرفت... سعید حجاریان در یک سخنرانی گفته بود اگر در جریان تحصن نمایندگان در مجلس ششم، ما ۱۰ هزار نفر در کف خیابان‌ها داشتیم می‌توانستیم به خواسته‌هایمان برسیم. حجاریان در این سخنرانی می‌گوید جریان انقلاب دارای شبکه اجتماعی و یک سازمان رأی به نام بسیج است و ما فاقد آن هستیم، بنابراین از سال ۸۷ تصمیم گرفتند مشابه آن را ایجاد کنند و آقایان امین‌زاده و تاج‌زاده مسئول تشکیل این شبکه شدند و پیامد آن تشکیل ستاد رأی ۸۸ شد که طی آن یک شبکه اجتماعی خوشه‌ای تشکیل دادند... یکی از متهمان در اعترافات خود اذعان کرد که این شبکه فقط در تهران تعداد قابل توجهی عضو داشت و قرار بود این شبکه در شهرستان‌ها هم گسترش پیدا کند... آنها برای آزمایش و تست این شبکه یک هفته قبل از انتخابات فراخوانی دادند و به عنوان حمایت از یک کاندیدا تلاش کردند تا یک زنجیره انسانی به اصطلاح خودشان از میدان راه‌آهن تا تجریش تشکیل شود و این سازماندهی را در صحنه عمل آزمایش

نمایند... اینها از آذرماه سال ۸۷ شروع به ایجاد تشکیک در سلامت انتخابات کردند و گفتند قرار است در انتخابات تقلب شود. آقایان مرعشی، آرمین، هاشمی رفسنجانی، کروبی، سلامتی و نبوی از جمله کسانی بودند که در سخنرانی‌هایشان متعرض تقلب در انتخابات شدند و در انتخاباتی که قرار بود شش ماه برگزار شود تشکیک کردند و برای همین یک ستاد صیانت از آرا به ابتکار آقای بهزاد نبوی با مسئولیت علی‌اکبر محتشمی‌پور تشکیل شد... مقام معظم رهبری در فروردین سال ۸۸ در سخنرانی مشهود به این امر اشاره کرده و فرمودند در حالی که چند ماه به انتخابات مانده برخی به دنبال ایجاد تشکیک در سلامت انتخابات و مأیوس کردن مردم هستند... یک سناریوی دیگر این بود که وضع کشور را بحرانی نشان دهند و به مردم تلقین کنند که اگر قرار است کاری کنیم، باید ابتدا کشور را از بحران نجات دهیم... ادامه دادن به این روند تا روز قدس یا ۱۳ آبان و در مقاطع دیگر موجب شد که دشمن احساس کند که می‌تواند در داخل به برخی افراد تکیه کند و برنامه‌های خود را پیش ببرد... در همان مقطع ارسی سفیر امریکا در بحرین گفت تحت هر شرایطی حمایت از اصلاح‌طلبان در ایران جزو سیاست‌های اصلی اوپاما خواهد بود. امریکا قصد دارد همزمان با تشدید تحریم‌ها، اعمال فشار سیاسی علیه تهران را با حمایت رسمی علنی و گسترده از موسوی و خاتمی وسعت بخشد، چراکه هیچ فشاری به دولت ایران بدون تقویت جریان‌های طرفدار غرب در ایران کارساز نیست... نتانیاهو هم در جریان این اتفاقات اظهار داشت که معترضان در داخل ایران امیدهای ما هستند و در همین مقطع بود که رهبر معظم انقلاب از این افراد خواستند تا خطشان را از دشمن جدا کنند اما این اتفاق نیفتاد و سران فتنه به جای جدا کردن خطشان از دشمن، چهره‌ها و نهادهای انقلاب را منکوب کرده و در بیانیه‌شان به نهادهایی مثل شورای نگهبان، قوه قضائیه، رئیس‌جمهور، سپاه، بسیج و نیروی انتظامی حمله کرده و آنها را به دیکتاتوری و انجام اعمال خلاف قانون متهم کردند... بلافاصله بعد از همین حوادث بود که تحریم‌ها علیه کشورمان بیشتر شد و برای مثال قانون جامع تحریم‌ها در کنگره امریکا ۲۰۱۰/۱۰/۱ یعنی تنها چند ماه پس از فتنه تصویب شد. اتحادیه اروپا تحریم خود را برای مقابله با سرمایه‌گذاری ایران در حوزه‌های نفت و گاز و بیمه در ماه آگوست ۲۰۱۰ تصویب کرد و تحریم دیگری هم از ماه می ۲۰۱۱ شروع شد و اتحادیه عرب هم جلسه‌ای در عربستان گذاشت که از طرف فتنه‌گران، علیرضا نوری‌زاد و عطاءالله مهاجرانی در این جلسه شرکت کرده و قرار شد ۱۸ میلیون دلار به مخالفان نظام کمک شود. کنگره امریکا هم تصویب کرد ۶۰ میلیون دلار برای ایجاد فضای باز سیاسی در ایران و کمک به شبکه‌های اجتماعی و مقابله با فیلترینگ در فضای مجازی منظور شود... در جریان همین آشوب‌ها بود که ما از تمامی گروهک‌های ضدانقلاب حتی منافقین، هواداران چریک‌های فدایی خلق، بهائیان و... افرادی را بازداشت کردیم و در میان آنها زن‌های بدنامی بودند که هر کدام چند بادیگارد داشتند. اینها به میان مردم می‌آمدند از

وقایع فیلم می‌گرفتند، در خانه‌هایشان استودیوهای مجهز داشتند و از آنجا فیلم‌ها را برای رسانه‌های غربی و برخی مراکز دیگر در خارج ارسال می‌کردند... در جریان این آشوب‌ها تعدادی افراد وابسته به سفارتخانه‌های خارجی هم بازداشت شدند و در واقع باید اینطور گفت که همه گروهک‌هایی که از اقدام علیه نظام در طول سالیان اخیر مأیوس شده بودند فکر کردند که می‌توانند از فرصت به وجود آمده برای سوار شدن بر موج استفاده کنند و بنابراین نقش آفرینی کردند.» علاوه بر موارد فوق می‌توان موارد بسیار دیگری از جمله اقدام به بمب گذاری، به آتش کشیدن مساجد و پایگاه‌های بسیج، هتک حرمت به شعائر مذهبی و عاشورای حسینی، وارد ساختن خسارت‌ها به اموال و اماکن عمومی و... را نیز نام برد که همگی نشان دهنده طراحی امریکایی- اسرائیلی- انگلیسی فتنه ۸۸ علیه نظام اسلامی است.

### تکمیل پازل دشمن

با وجود موارد بیان شده و شواهد بسیار از دخالت عناصر بیگانه در روند فتنه، کاندیداهای معترض آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیری قدم برمی‌داشتند که نتیجه آن جز تکمیل پازل دشمن نبود. به عنوان مثال به گوشه‌هایی از بیانیه‌های صادر شده در روند اعتراضات توسط میرحسین موسوی اشاره می‌گردد:

موسوی در بیانیه شماره چهار خود با وجود شواهد بسیار بر دخالت عناصر بیگانه برای ایجاد بحران در کشور، آشوبگران و خسارت زندگان به اموال عمومی را عناصر دولتی می‌خواند؛ در این بیانیه آمده است: «این اصحاب ثقل و دروغ هستند که برای تکمیل طرح خود به بانک‌ها، ادارات و اموال مردم حمله می‌کنند و آنها را تخریب می‌نمایند... دستگیری‌های گسترده‌ای که طی روزهای گذشته از فرزندان انقلاب انجام گرفته است، نشان دهنده این واقعیت است که عاملان ثقل و سپس بلوا کمترین شناختی نسبت به حقیقت اعتراضات مردم ندارند.»

او همچنین در بیانیه شماره پنج خود نظام را تهدید کرده و می‌گوید: «اگر این حسن ظن و اعتماد مردم از طریق صیانت از آرای آنها پاسخ داده نشود یا آنها نتوانند برای دفاع از حقوق خودشان به نحوی مدنی و آرام واکنش نشان دهند مسیر خطرناکی در پیش خواهد بود که مسئولیت قرار گرفتن در آنها بر عهده کسانی است که رفتارهای مسالمت‌آمیز را تحمل نمی‌کنند... به جوانان عزیز توصیه می‌کنم نگذارید دروغ‌گویان و متقلبان پرچم دفاع از نظام اسلامی را از شما بربایند و نااهلان و نامحرمان، میراث گرانقدر انقلاب اسلامی را که اندوخته از خون پدران راستگویان است از شما مصادره کنند.» میرحسین موسوی در بیانیه شماره هجدهم خود در ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ نیز می‌نویسد: «در اولین سال انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری با قامتی سرافراز، گرچه شلاق خورده، مجروح و حبس کشیده ایستاده‌ایم. با مطالباتی برای نیل به

آزادی، عدالت اجتماعی و تحقق حاکمیت ملی و مطمئن از پیروزی به یاری حضرت حق، چراکه جز احقاق حق ملت چیزی نخواسته‌ایم.»

## چرایی حصر از منظر سیاسی

### زبان موعظه در برابر تیغ و شمشیر

با وجود همه خیانت‌ها و لشکرکشی‌های خیابانی و همراهی شدن بسیاری از اقدامات سران فتنه با سرویس‌های جاسوسی، زبان نظام در مقابله با آنان تا مدت‌ها پس از آتش افروزی زبان سازش، دعوت به مصالحه و آرامش بود و رهبر معظم انقلاب بارها و بارها آنان را به آرامش و پابندی به قانون فراخواند. به عنوان نمونه معظم له جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ پس از شرکت در انتخابات در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما پیش از وقوع هر اتفاقی می‌فرمایند: «مردم با رشد، کمال و بلوغ عقلانی خود اجازه ندادند در این صحنه پرشور حادثه تلخی به وجود آید... این امنیت ناشی از تفضل الهی و درک و شعور مردم است و امیدوارم مردم مانند همیشه با آرامش، متانت، صبر، حلم، وقار و سکینه روحی خود، تلاش بدخواهان را برای ایجاد تشنج ناکام بگذارند، چراکه این تشنج به ضرر کشور و آرای مردم است... مردم به شایعاتی که در روزهای گذشته و دیگر شایعات در خصوص بخش‌های مختلف انتخابات، که ساخته انسان‌های ناسالم است توجه نکنند.»

همچنین ایشان پس از انتخابات در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خردادماه ۱۳۸۸ با تشکر از مردم و پاک خواندن دامن نظام اسلامی در خیانت به آرای آنان، مسئولان را به آرامش و پابندی به قانون فراخوانده و می‌فرمایند: «مردم اطمینان دارند، اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آرای مردم نیست. سازوکارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه تقلب نمی‌دهد. این را هر کسی که دست‌اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق می‌کند... اگر کسانی شبهه دارند و مستندات ارائه می‌دهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی؛ رسیدگی فقط از مجاری قانونی. بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چارچوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت... اگر واقعاً شبهه‌ای هست، از راه‌های قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همانطور که حق دادند نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود... در این قضیه انتخابات، مردم حقاً و انصافاً به وظیفه خودشان عمل کردند. وظیفه‌شان این بود که بیایند پای صندوق‌های رأی که به بهترین وجه این وظیفه ادا شد اما ما و شما [مسئولان کشور] وظایف سنگین‌تری داریم. آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریان‌های سیاسی و یک عده‌ای از اینها حرف‌شنوی دارند، اینها خیلی

باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطی‌گری کنند، دامنه این افراطی‌گری در بدنه مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آنهاینند. من به همه این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه صدر داشته باشید؛ دست‌های دشمن را ببینید؛ گرگ‌های گرسنه کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره حقیقی خودشان را نشان می‌دهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید... این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست می‌کنند و مسئولان نظام را مجبور می‌کنند، وادار می‌کنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت. من از همه این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید... البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آن وقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد.»

امام خامنه‌ای (حفظه الله) یک ماه پس از آغاز فتنه نیز در دیدار جمعی از مردم در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) مورخ ۱۳۸۸/۰۴/۱۵ نیز باز هم با جدا کردن راه اغتشاش‌طلبان و معترضان سعی بر روشن نمودن مسیر، تبیین نقش دشمنان در ایجاد آشوب و عقب نشاندن سران فتنه از لبه پرتگاه دارند، ایشان در این دیدار می‌فرمایند: «سیاست نظام جمهوری اسلامی، سیاست روشنی است. رقابت در بین نامزدهای ریاست جمهوری به نگاه ما، به عقیده ما، یک رقابت درون‌خانوادگی است، گاهی به عصبانیت هم می‌کشد. دو برادر هم ممکن است داخل خانواده در مقابل هم قرار بگیرند؛ به دشمن چه ربطی دارد؛ به بیگانه چه ربطی دارد. بیگانگانی که در این قضیه در سطوح مختلف سیاسی و تبلیغاتی وارد این میدان شدند، نیتشان ایجاد شقاق و اختلاف بود؛ ایجاد شکاف بود... چرا در ماجرای که مربوط به ملت ایران است، دخالت می‌کنید؟ دخالت می‌کنند، بعد هم می‌گویند ما دخالت نمی‌کنیم؛ پس دخالت معنایش چیست؟ تشویق اغتشاشگری دخالت نیست؟ مردم ایران را اغتشاشگر معرفی کردن، دخالت نیست؟ اهانت نیست؟ دو دسته، یک دسته به

یک نامزد، یک دسته به یک نامزد دیگر رأی دادند، اکثریت و اقلیتی هست، قواعدی هست، آن کسانی که نامزدشان رأی نیاورده، طبیعی است افسرده باشند، اوقاتشان تلخ باشد؛ اما این معنایش اغتشاش نیست؛ اینها اغتشاشگر نیستند. اغتشاشگر یک عده معدودی هستند؛ همان‌هایی که بودجه تصویب شده بعضی از دولت‌های غربی را برای ایجاد اختلاف در داخل ایران مصرف می‌کنند، آنها اغتشاش‌گرند. در رسانه‌های امریکایی و اروپایی - که غالباً تحت سلطه صهیونیست‌هایند و از بن دندان دشمن ملت ایران و دشمن اسلام و دشمن نظام جمهوری اسلامی‌اند - اینجور وانمود می‌کنند که جمعی از ملت ایران اغتشاش‌گرند.»

علاوه بر این، بسیاری از فعالان و ریش‌سفیدان نظام نیز بارها و بارها با کاندیداهای معترض دیدار داشته و سعی بر آرام نمودن و نشان دادن عاقبت کار به آنها داشتند اما متأسفانه هیچ یک از پندهای فوق کارگر نمی‌افتد و میرحسین موسوی به صراحت اعلام می‌دارد همه راه‌های احقاق حق بسته است. او در بیانیه شماره دوم خود خطاب به مراجع عظام و علمای اعلام می‌نویسد: «اگرچه توسل به دروغ و استفاده بی‌حساب از امکانات عمومی و دولتی برای تبلیغات یک‌سویه به سود نامزد حاکم به خوبی نشان‌دهنده عزم این گروه خاص برای پیروزی به هر قیمت و از هر راه ممکن بود، اما تصور تقلب در آرای مردم تا این اندازه و برابر انظار شگفت‌زده جهانیان از حکومتی که تعهد به عدالت شرعی از ارکان اساسی آن شمرده می‌شود، برای کسی ممکن نبود. امروز که با حیرت تمام شاهد چنین تصورات جسورانه در امانت مردم هستیم و تمامی راه‌ها برای احقاق حق بسته شده، مواجه شدن مردم مظلوم با سکوت علما و مراجع که ملجأ راسخ این ملت شمرده می‌شوند، خسارتی بیش از یک تغییر در آرا را به دنبال خواهد داشت.»

### روایت سردار نجات از نحوه مواجه نظام با فتنه

سردار نجات در نشستی که پیش از این به بخشی از آن اشاره گردید پس از تشریح وقایع فتنه و حمایت دشمن از آن می‌گویند: «بعداً بسیاری از آنها [رهبران فتنه ۸۸] اذعان کردند که تقلب در انتخابات ممکن نیست. رهبری هم در ۲۶ خرداد ۸۸ جلسه‌ای گذاشتند و نماینده‌های کاندیداها را به حضور پذیرفتند که از طرف آقای کروبی، آقای الویری و یک نفر دیگر و از طرف مهندس موسوی، آقایان آخوندی و بهشتی در این جلسه حضور پیدا کردند و نمایندگان آقای احمدی‌نژاد و آقای رضایی و شورای نگهبان و وزارت کشور هم بودند. در همین جلسه نماینده مهندس موسوی گفت من معاون وزیر کشور بوده‌ام و می‌گویم تقلب در این سطح ممکن نیست و اظهار داشت که اعتراض ما به مهندسی انتخابات است و نماینده آقای کروبی هم گفت اعتراض ما به تأیید صلاحیت آقای احمدی‌نژاد است... یکی از اعضای مرکزیت حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی که از صحنه‌گردانان اصلی اعتراضات ۸۸ بود و تندترین بیانیه‌ها را می‌داد، در جریان



بازداشت خود طی مصاحبه‌ای گفت از نظر من که پیش از این معاون سیاسی وزیر کشور بودم امکان این حجم تغییر آرا در نظام انتخاباتی ما وجود ندارد... آقای خاتمی هم حداقل در ۱۰ جلسه که اسناد آن به دست ما هم رسیده است گفته که ما از اول هم می‌دانستیم که این حجم تقلب ممکن نیست. حال سؤال اصلی این است مهندس موسوی در اطلاعیه شماره ۱ تا ۴ خود و سایر بیانیه‌ها مدعی بود که بر اساس اطلاعات به دست آمده از صندوق‌ها ایشان پیروز انتخابات است و تقلب رمز اصلی شورش علیه قانون بود. چرا این ادعا را خودشان نتوانستند ثابت کنند و نمایندگان آنها هم آن را نقض و نقد کردند و سایرین این فتنه هم گفتند ما آن را قبول نکردیم. آنها دروغ بزرگی را به نظام نسبت دادند. امنیت ملی را هم مخدوش کردند بعد گفتند تقلب شده حالا همان دست‌اندرکاران آن روز فتنه امروز مجدداً کمیته فتنه تشکیل داده‌اند و می‌خواهند جای مجرم و قاضی را عوض کنند... در ۲۴ خرداد ۸۸ رهبری مهندس موسوی را خواستند و به او گفتند که جنس تو از جنس ضدانقلاب نیست و اگر اعتراضی داری از مسیر قانونی پیگیری کن و به او تذکر دادند که اگر کاری را شروع کردی معلوم نیست بتوانی جمع کنی و به شورای نگهبان هم فرمودند تا به اعتراضات رسیدگی کنند و اگر هم لازم است حتی ۳۰ درصد صندوق‌ها را بازشماری کنند. بعد از آن، همان جلسه را با نمایندگان کاندیداها هم گذاشتند و حرف‌های آنها را شنیدند و رسیدگی به اعتراضات را به شورای نگهبان توصیه کردن. البته مهندس موسوی گفت من حکمیت شورای نگهبان را قبول ندارم و رهبری هم با مشورت شورا چهار نفر دیگر را هم مأمور کردند که بر رسیدگی به اعتراضات نظارت کنند و بعد از آن از کاندیداها خواسته شد تا مدارک و مستندات خود را ارائه دهند اما هیچ سندی داده نشد و با این حال ۱۰ درصد از صندوق‌ها را هم بازشماری کردند اما در نتیجه انتخابات تغییری ایجاد نشد... رهبری حتی به شورای نگهبان گفته بودند پنج روز دیگر هم رسیدگی به اعتراضات را تمدید کنند اما باز هم مهندس موسوی و آقای کروی نتوانستند مستنداتی به شورای نگهبان ارائه دهند... یادم هست سال ۸۸ در جریان یکی از افطارهای رهبری با دانشجویان در حالی که معمولاً دانشجویان از قبل وقت گرفته و به سخنرانی می‌پردازند، یک نفر از آنها از میان جمعیت بدون هماهنگی بلند شد و از رهبری سؤال کرد که چرا شما اجازه می‌دهید این منافقین به اقدامات مجرمانه خودشان ادامه دهند؟ رهبری در جواب به او فرمودند چرا از لفظ منافق استفاده می‌کنید. درست است که ما معتقدیم این افراد تخلف کرده‌اند اما نباید از لفظ منافق برای آنها استفاده کرد. این نشان می‌دهد که رهبری در اوج فتنه‌افکنی‌ها تلاش داشتند آنها به کشتی نجات نظام برگردند... رهبری یک بار هم در پیامی به نیروهای امنیتی فرمودند اگر ۵۰ نفر را دستگیر کردید و در میان آنها یک نفر بی‌گناه و ۴۹ نفر گناهکار بودند اگر نتوانستید آن یک نفر بی‌گناه را شناسایی کنید

حق ندارید هیچ‌کدام از آن ۵۰ نفر را شب در بازداشت نگه دارید و باید همه آنها آزاد شوند. این نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی برای حفظ امنیت خود حاضر نیست حتی به یک نفر ظلم شود.»

### اتمام حجت بر همگان

فتنه و اقدامات افراطی تا ۲۰ ماه پس از انتخابات ادامه می‌یابد و موسوی و کروبی در بیانیه‌های مختلف خود به مناسبت‌های مختلف مردم را به حضور در صحنه و اردو کشی خیابانی ترغیب می‌کنند و بعضاً خود در برخی از این لشکرکشی‌ها حضور می‌یابند. در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۹ یعنی یک سال و هشت ماه پس از انتخابات میرحسین موسوی و مهدی کروبی این بار به بهانه حمایت از انقلاب مردم مصر و تونس به‌رغم عدم صدور مجوز به خیابان‌ها فرامی‌خوانند. اردشیر امیر ارجمند، مشاور حقوقی میرحسین موسوی و اسماعیل گرامی مقدم سخنگوی حزب اعتماد ملی و مشاور مهدی کروبی در مصاحبه‌هایی جداگانه با شبکه بی‌بی‌سی فارسی اعلام کردند که دیگر نیازی به مجوز نیست و راهپیمایی در هر صورت برگزار می‌شود. متأسفانه این بار نیز نه تنها سران فتنه دست از اعمال خود که همسویی آن با سرویس‌های جاسوسی عیان گشته بود دست بر نداشتند بلکه در بیانیه‌های جداگانه‌ای بیش از پیش نظام را متهم کرده و مردم را به آشوب فراخواندند.

این اتفاق که پس از ۲۰ ماه از انتخابات و پس از همه ملاطفت‌ها و نرمی‌های نظام با سران فتنه رخ داد، دیگر حجت را بر همگان تمام ساخت که سران فتنه از همسویی با سرویس‌های جاسوسی برای براندازی نظام دست بردار نیستند، بنابراین تصمیمات لازم برای برخورد با فتنه‌گران که دیگر نیت و خطرات اعمال آنها عیان گشته بود و به گفته رهبری کشور را به لبه پرتگاه کشانده بودند، اخذ گردید.

### روند اخذ تصمیم حصر خانگی سران فتنه

سردار نجات، جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، در جلسه‌ای که پیش از این نیز بدان اشاره شد، در توضیح روند اخذ تصمیم حصر می‌گوید: «قوه قضائیه به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نامه زد و گفت نظام ۲۰ ماه در مقابل این افراد ممانعت کرده اما آنها قصد پایان دادن به ماجرا و اصلاح رویه خود را ندارند و به دنبال فتنه جدید هستند. اینجا بود که رئیس قوه قضائیه از رئیس شورای عالی امنیت ملی درخواست حصر کرد... این موضوع در دبیرخانه بررسی و در شورای عالی امنیت ملی مطرح شد و حتی یک نفر هم مخالفت نکرد در حالی که افرادی مانند آقای روحانی که آن روز نماینده رهبری بودند، رؤسای قوا، وزیر خارجه، وزیر کشور، رئیس ستاد کل و... عضو بودند همه بدون حتی یک نفر مخالف، همانطور که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد، اصل مجرم بودن اینها را تأیید کردند، محاکمه را به

مصلحت ندانستند (با اینکه محاکمه حق قوه قضائیه بود) و حصر را تأیید کردند... اصلاً رهبری در امور حصر دخالت نداشتند و ندارند. درخواست رئیس قوه قضائیه و مصوبه شورای عالی امنیت ملی بود. امروز هم اگر بنا بر مصالحی فرضاً شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفت در شرایط حصر تغییر ایجاد کند (که البته تاکنون طبق گزارش سخنگوی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی هیچ تصمیم جدیدی در مورد حصر گرفته نشده) باز حق قوه قضائیه برای محاکمه آنها سر جای خودش است چراکه هر سه نفر این افراد پرونده مجرمیت مفتوح دارند... الآن هم جریان فتنه با میانداری دو نفر از زندانیان فتنه کمیته‌ای را راه‌اندازی کرده که ما به آن کمیته احیای فتنه می‌گوییم. این کمیته می‌خواهند برخی رسانه‌های داخلی و خارجی را سرخط کنند و جریان‌ها و کمپین‌های اجتماعی با کمک رسانه‌های ضدانقلاب ایجاد کنند و اینطور وانمود کنند که رفع حصر مطالبه مردم است. اینها می‌گویند چرا اجازه نمی‌دهید محصوران از خودشان دفاع کنند در حالی که آنها به تعداد کافی ظرف ۲۰ ماه بیانیه دادند و هرچه خواستند گفتند و هر نوع تحریکی را انجام دادند و جرم سران فتنه از نوع جرم آشکار است و همه حقوقدانان به این امر صحه می‌گذارند.»

### چرایی حصر از منظر قانونی

مسئله قانونی بودن یا غیرقانونی بودن حصر خانگی بارها و بارها در رسانه‌ها توسط افراد مختلف بیان شده است. آنها معتقدند مطابق اصل ۳۲ قانون اساسی هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند و در صورت بازداشت باید حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد.

اما نکته‌ای که عموماً معترضان به حکم حصر فراموش می‌کنند، منشأ اتخاذ فرمان حصر سران فتنه است. همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، این تصمیم توسط شورای عالی امنیت ملی اخذ شده است. مطابق قانون اساسی «شورای عالی امنیت ملی» به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شده است و از جمله وظایف آن بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی است.

فتنه ۸۸ همانگونه که در بالا توضیح داده شد، مصداقی بارز از تهدیدات داخلی و خارجی علیه نظام اسلامی بود و شهود بسیار نشان می‌دهد ادعای تقلب در انتخابات تنها بهانه‌ای بود برای به آشوب کشاندن و در نهایت نابود ساختن نظام اسلامی. به روشنی مشخص است در آن شرایط شورای عالی امنیت ملی موظف بوده با بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور و با تمام قدرت کشور را از چنین تهدیدی دور سازد.

حجت الاسلام والمسلمین منتظری رئیس سابق دیوان عدالت اداری کشور در خصوص این تصمیم می‌گوید: «چنین تصمیمی از منظر حقوقی قابل دفاع است، زیرا این تصمیمی بود که از سوی شورای عالی امنیت ملی گرفته شده و متأسفانه کسانی که یا قانون را نخوانده‌اند یا آن را نمی‌فهمند، درباره آن اظهار نظر اشتباه می‌کنند. ایشان با اشاره به اصل ۱۶۷ قانون اساسی راجع به شورای عالی امنیت ملی و لازم‌الاجرا بودن تصمیمات این شورا، افزود: به لحاظ امنیتی، تصمیمی را شورای عالی امنیت ملی اتخاذ کرده مبنی بر اینکه برخی افراد برای مدتی در حصر باشند، به عبارت دیگر این شورا محاکمه و به دادگاه بردن آن افراد را به مصلحت کشور ندانسته است. این تصمیم از سوی نهادهای با جایگاه قانونی و به منظور تعیین سیاست‌های امنیتی کشور گرفته شده است... آیا آنچه در سال ۱۳۸۸ اتفاق افتاد و چندین ماه نیز به طول انجامید تا منتهی به حماسه ۹ دی شد، با آن همه حوادثی که در کشور رخ داد، از کشتار و آتش زدن گرفته تا اردو کشی در خیابان و اهانت به مقدسات دین و عاشورا، از مصادیق امنیت ملی نبود؟! این شورا تصمیمی گرفته و این تصمیم نیز لازم‌الاجرا شده است... حالا برخی هر روز می‌آیند و معرکه به پا می‌کنند که چرا این آقایان در حصرند؟ به هر حال این تصمیمی قانونی است که شورای عالی امنیت ملی گرفته و هیچ اشکال حقوقی هم بر آن مترتب نیست.»

در جوابیه قوه قضائیه به نامه علی مطهری که حصر را غیرقانونی خوانده بود و به دنبال رفع حصر و برگزاری دادگاهی علنی برای سران فتنه است، نکاتی قابل توجه آمده که روشن‌کننده مبانی قانونی حصر خانگی است. در ادامه گوشه‌هایی از این جوابیه آمده است: «مدعی، حصر سران فتنه را با اصول سی و دوم لغایت سی و هفتم قانون اساسی مغایر دانسته است. این در حالی است که اصول سی و دوم و سی و سوم قانون اساسی که به ممنوعیت دستگیری، بازداشت و تبعید افراد تصریح نموده، استثنای «مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند» (در اصل سی و دوم) و «مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد» (در اصل سی و سوم) را در نظر گرفته است. اصول دیگر مورد استناد ایشان اصل سی و چهارم (حق افراد بر دادخواهی)، اصل سی و پنجم (حق معرفی وکیل در دادگاه‌ها)، اصل سی و ششم (صدور حکم به مجازات از طریق دادگاه صالح) و اصل سی و هفتم (برائت) در اظهارات وی بدون وجه به کار رفته و ارتباطی با مصوبه شورای عالی امنیت ملی ندارد... بیان این مطلب از زبان یک نماینده مجلس نشان می‌دهد: ایشان تفاوت حبس و حصر و اعمال مجازات را نمی‌داند و منطق اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی در اختیارات شورای عالی امنیت کشور را درک نمی‌کند یا از آن تغافل می‌نماید یا آنکه تمایل به حمایت بی‌قید و شرط از سران فتنه، ایشان را از توجه به موازین حقوقی باز داشته است زیرا وی با حذف برخی واژه‌های اصل یکصد و هفتاد و ششم، چنین وانمود کرده که شورای عالی امنیت کشور صرفاً وظیفه «رصد امنیت داخلی و خارجی» را دارد. این در حالی است که در اصل یکصد و هفتاد و ششم

آمده است: «بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی» و از صراحت اصل مذکور می‌توان نتیجه گرفت حصر سران فتنه در مقام رفع یکی از تهدیدهای علیه امنیت کشور بوده است، کما اینکه این گونه تصمیم در شورای عالی امنیت ملی مسبوق به سابقه هم بوده است. بسیار جای تأسف است که نماینده مجلس که باید به ادبیات تقنینی احاطه داشته باشد، تفاوت حصر و محکومیت به حبس یا اعدام را نداند. شورای عالی امنیت ملی دادگاه نیست که کسی را محکوم به حبس یا اعدام کند... مطهری در ضرورت محاکمه سران فتنه نوشته است «این طبیعی است که هر متهمی می‌خواهد حرف‌هایش را به گوش مردم برساند و این حق اوست» این عبارات نشان می‌دهد که وی از وظیفه ذاتی دادگاه و اصل علنی بودن محاکم تلقی اشتباه دارد، زیرا اولاً، وظیفه دادگاه دادرسی است نه ایجاد تریبونی برای سخنرانی دیگران و رساندن حرف‌های خود ثانیاً، اصل علنی بودن محاکم که نمودی از نظام دادرسی اتهامی است، با انتشار جلسات دادگاه در رسانه‌ها متفاوت است. به همین جهت است که ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۸ که به اصل علنی بودن محاکم اشاره نموده، در تبصره یک ضمن تعریف علنی بودن، انتشار جریان دادرسی را با محدودیت‌هایی پیش‌بینی کرده است. توجه به این نکته لازم است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۳۶ حتی انتشار حکم محکومیت قطعی محکومان را منوط به عدم تهدید برای «اخلال در نظم یا امنیت» نموده است. بنابراین دادن چنین فرصتی به متهمان در دادگاه‌ها که در مرحله دفاع از اتهامات است، موجبات قانونی ندارد. ثالثاً، اصل علنی بودن دادگاه‌ها با سه استثنا مواجه است که یکی از این استثنائات، «مخل امنیت» بودن برگزاری علنی جلسات است. این استثنا در بند «ب» ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تکرار شده است. مطهری از عنوان «شورای عالی امنیت ملی» استنباط کرده است که حداکثر اختیار این مرجع، اتخاذ تصمیمات موقت در شرایط بحرانی است. اولاً، تشخیص صلاحیت و اعتبار تصمیمات شورا، نظیر سایر نهادهای مشابه، با خود شورای عالی امنیت ملی است و تشکیک شما یا هر شخص دیگری، چیزی از اعتبار تصمیمات شورا نمی‌کاهد، ثانیاً از بند ۳ مذکور (بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی)، ضرورت «بحرانی بودن وضعیت» جهت ورود شورای عالی امنیت ملی استنباط نمی‌شود، بنابراین پس از تحقق مصوبه و طی مراحل قانونی آن، لازم‌الاجرا خواهد بود. ادعای مدعی مبنی بر موقت بودن مصوبات شورای عالی امنیت ملی با اصل دوام مقررات و ضرورت تشخیص زمان اجرای مقرر توسط واضع آن مغایر است. همچنان که مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوانین تصویب شده در مجلس شورای اسلامی صرفاً با نسخ توسط همان مرجع فاقد اثر می‌شود (مگر

آنکه در نفس مصوبه زمان معینی برای آن معین شده باشد)، در خصوص مصوبات شورای عالی امنیت ملی نیز تا زمانی که مصوبه توسط خود شورا ملغی نشود، به اعتبار خود باقی است.

### **حصر خانگی؛ لطف نظام، مانع اعدام**

علاوه بر موارد ذکر شده در خصوص قانونی بودن اخذ تصمیم حصر خانگی، طرفداران فتنه نباید فراموش کنند که قانون مجازات اسلامی درباره جرم‌انگاری افساد فی‌الارض در ماده ۲۸۶ آورده است: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود.» مطابق این ماده و به گواه شواهد بسیار که به برخی از آنها در ابتدای این متن اشاره شد شکی نیست که حکم سران فتنه، با توجه به خیانت‌های بسیار و همسویی با نظام سلطه در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، به جرم فساد فی‌الارض اعدام است و در واقع اخذ تصمیم حصر خانگی لطفی از سوی نظام به آنهاست هر چند به قول حضرت حافظ قدر این مرتبه نشناخته‌ای.

### **بررسی حصر از منظر تاریخ**

حصر خانگی برای فتنه‌گران هم در تاریخ معاصر و هم در تاریخ صدر اسلام مسبوق به سابقه است. در تاریخ معاصر می‌توان به حصر خانگی آیت‌الله منتظری اشاره کرد که توضیح چگونگی رخ دادن این حصر مقاله‌ای دیگر می‌طلبد اما با توجه به شبهات مربوط به غیرشرعی خواندن حکم حصر خانگی جای دارد به وقایع صدر اسلام در زمان حکومت عدل امیر المومنان حضرت علی(ع) و حکم حصر خانگی برای خانم عایشه و ابوسفیان اشاره کرد.

### **سیره امیرالمؤمنین(ع) در مواجهه با برخی خواص فتنه‌گر**

دکتر رجبی دوانی در خصوص رفتار حضرت علی(ع) با مخالفان خود می‌گوید: «در جریان فتنه جمل وقتی آن توطئه شکست خورد و [خانم] عایشه اسیر شد، کلام امیر المؤمنین(ع) خطاب به او گویای جرم وی بوده است. حکم جرایم عایشه اعدام بود اما امام علی(ع) به حرمت همسری پیامبر(ص) و مصلحتی بالاتر او را محاکمه نکرد بلکه در حصر قرار داد... امام علی(ع) به عایشه گفت باید به مدینه بازگردد و در خانه‌ای که پیامبر(ص) تعیین کرده است تا دم مرگ در آن باشد، این یعنی حصر.»

همچنین دکتر رجبی‌دوانی در جای دیگر با بیان عملکرد مقام معظم رهبری در نحوه مواجهه محترمانه با سران فتنه آن را برگرفته از سیره حضرت علی(ع) عنوان کرده و می‌گویند: «در ارتباط با فتنه‌های زمان امیرالمومنین(ع)، پیامبر اکرم (ص) پیشاپیش این موارد را برای حضرت پیش‌بینی و تکلیف آن بزرگوار را هم روشن کرده بود. فرموده بود: «یا علی (ع) تو بعد از من با سه گروه ناکثین، قاسطین و مارقین مواجه می‌شوی و چاره‌ای جز جنگ و سرکوبی آنها نداری، یعنی کسی که بیعت خود را می‌شکند یا در روی نظام حق می‌ایستد یا نظام حق را متهم به خروج از مسیر اسلام می‌کند و براندازی پیشه می‌کند، اینها مستحق مقابله و سرکوبی و نابودی هستند. این را پیغمبر(ص) می‌فرماید و این نام‌ها را هم وجود مقدس حضرتش بر مخالفان و دشمنان امیرالمومنین(ع) نهاد، بنابراین کسی که فتنه‌انگیزی می‌کند و این فتنه را تا مرحله براندازی می‌کشانند، حکم او سرکوبی و قتل است، مگر رهبر جامعه اسلامی مصلحتی ببیند و به خاطر آن مصلحت حکم الهی را بر او جاری نکند... فتنه‌گران سال ۸۸ دقیقاً مثل فتنه‌گران جمل، حکم آنها سرکوبی بود و قتل سران فتنه و هر کسی که در آن عرصه آمده و ایستاد تا وقتی که ایستادگی می‌کند باید سرکوب شود و از میان برود. کسی که امنیت جامعه را به هم زده، خرابی به بار می‌آورد، متعرض جان و مال و ناموس مردم و اموال عمومی می‌شود، این محارب است و در آن شکی نیست. براندازی نظام را پیشه کرده، حتی اگر سلاح هم در دست نگرفته باشد ولی وقتی تخریب می‌کند و شهر را ناامن می‌کند، این محارب است و حکم محارب هم در قرآن مشخص است و سرانی که آنها را به عرصه آوردند و این جسارت و گستاخی را به آنها دادند که این اعمال را انجام دهند، به طریق اولی، به عنوان سران مفسد فی الارض تلقی می‌شوند اما همان طور که عرض کردم حضرت آقا با تأسی به سیره پاک امیرالمؤمنین(ع)، خویشتنداری کردند، زیرا اینها فضایی را ایجاد کرده بودند، همانطور که آن فتنه‌گران و پیمان‌شکنان عمل کرده بودند و امیرالمؤمنین (ع) را مقصر در قتل خلیفه سوم تلقی کرده بودند و به جامعه القا کردند و خلیفه سوم به خاطر عملکرد غلطش که چه جنگ روانی درست کردند، چنان مورد نفرت قرار گرفت که انقلاب به پا شد و مردم آن را از بین بردند... ولی فتنه‌گران با عملیات روانی شدید چگونه عمل کردند که از خلیفه منفور یک خلیفه مظلوم ساختند و امیرالمؤمنین(ع) را که به یاری این خلیفه آمده بود تا او را از این سختی‌ها و شقاوتی که خود برای خود ایجاد کرده بود، بیرون بیاورد ولی امیرالمؤمنین (ع) را مؤثر و مقصر در قتل او جلوه دادند، حال آنکه به استناد منابع مهم اهل تسنن که امروزه در اختیار ما است، همین سران فتنه جمل، خود عاملان مهم براندازی قتل عثمان بودند. عایشه، طلحه، زبیر و عمرعاص، اینها کسانی هستند که در قتل عثمان مؤثر بودند و حالا به خون خواهان عثمان تبدیل می‌شوند و امیرالمؤمنین (ع) باید تاوان پس بدهد و مردم را هم با سوءاستفاده از جایگاه همسری پیغمبر، صحابی‌های بزرگ پیغمبر فریب دادند و عده‌ای احساس کردند که وظیفه

دارند بیابند و با اینها بر ضد امیرالمؤمنین (ع) که نعوذ بالله مقصر است، همراه شوند و براندازی شود... در این فتنه هم ما می‌بینیم که اینها به این شیوه عمل کردند. فضایی را ایجاد کردند و گروهی را فریب دادند، بنابراین کار اینها مقابله بود و در آن شکی نیست ولی امیرالمؤمنین (ع) که می‌دانست خیلی از مردم هنوز توجیه نشدند. اگر چه حق سران آن فتنه و بازمانده فتنه‌گران، مرگ بود و امیرالمؤمنین (ع) بعد از جنگ جمل دستور داد، فراری‌ها را تعقیب نکنید، زخمی‌ها را نکشید و کاری به آنها نداشته باشید، خود عایشه که از رؤس این جریان بود را با احترام، در حصر قرار داد که عایشه دیگر حق نداشته باشد به فتنه‌انگیزی‌های خود ادامه دهد... حضرت ۴۰ خانم اهل بصره را دستور داد که لباس مردانه بپوشند و صورت‌های خود را بپوشانند و او را از بصره به مدینه ببرند و حق ندارند از آن شهر بیرون بیایند و همان‌جا باید بمانند تا آخر خلافت امیرالمؤمنین (ع) ما دیگر تحرکی از عایشه بر ضد امیرالمؤمنین (ع) نمی‌بینیم... در حقیقت امیرالمؤمنین (ع) او را در یک حصری قرار داد و از مجازات خود صرف‌نظر کرد. نه اینکه حق او مجازات نیست. داریم که وقتی امیرالمؤمنین (ع) او را سرزنش کرد که این چه فتنه‌ای بود؟ خلاف دستور پیغمبر بیرون آمدی و این وضع را پیش آوردی، تقاضای عفو کرد و امیرالمؤمنین (ع) هم به حرمت جایگاه همسری پیغمبر (ص) و هم اینکه مصالح حکومت اینگونه ایجاب می‌کرد، او را مجازات نکرد و با احترام به مدینه برگرداند.»

موارد ذکر شده به روشنی بیانگر شیوه رفتار حضرت علی (ع) با مخالفان نظام اسلامی است. جمهوری اسلامی ایران نیز که خود را مقید به بهره‌مندی از سیره ائمه اطهار (ع) می‌داند در مقابله سران فتنه که روزی خود از همراهان نهضت بودند، بنا به مصلحت به جای محاکمه که نتیجه آن جز اعدام سران فتنه نبود، با مصلحت‌اندیشی برای دور ساختن فتنه از کشور راه حصر خانگی را انتخاب کرد. آرامش برقرار شده پس از این تصمیم نشان‌دهنده صحت تصمیم‌گیری است.

### نتیجه‌گیری

همانطور که بیان شد فتنه ۸۸ از مصادیق عبرت‌آموز تاریخ معاصر ایران اسلامی است که بازخوانی حوادث آن راهگشای تحولات آینده خواهد بود. در میان حوادث مسئله حصر خانگی سران فتنه یکی از مسائل پرمناقشه در چند سال گذشته بوده است که در این مقاله سعی شد با جمع‌آوری و تحلیل نظرات کارشناسان امر از سه منظر سیاسی، قانونی و تاریخی به این مسئله پرداخته شود و برخی شبهات مطرح در هر زمینه پاسخ داده شود. در یک جمله می‌توان گفت حصر خانگی لطفی از سوی نظام به سران فتنه است که مانع اعدام آنها به جرم فساد فی‌الارض شد.

با گذشت زمان و فاصله گرفتن از فضای غبارآلود فتنه ۸۸ حوادث آشکار شده و تحلیل وقایع برای چشمان حق طلب سهل می‌شود اما هستند کسانی که ساده‌نگری و سطحی‌اندیشی جزئی از چشمان آنان است و حتی خورشید تابان را هم



ندیده یا نادیده می‌گیرند که مسلماً هیچ استدلالی آنان را اقناع نمی‌کند و حتی اگر روزی گفته‌های پنهان سران فتنه نیز علنی شود، باز هم انگشت در گوش فرو و حفظیات خود را تکرار می‌کنند. چه زیبا قرآن کریم در سوره بقره این افراد را به تصویر کشیده است:

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (۱۷) صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فُهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۱۸) أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۱۹) يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

آنها (منافقان) همانند کسی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریک راه خود را پیدا کند) ولی هنگامی که آتش اطراف خود را روشن ساخت، خداوند (طوفانی می‌فرستد و) آن را خاموش می‌کند و در تاریکی وحشتناکی که چشم کار نمی‌کند، آنها را رها می‌سازد. (۱۷) آنها کر، گنگ و کورند، بنابراین از راه خطا باز نمی‌گردند (۱۸) یا همچون بارانی که در شب تاریک توأم با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذرانی) ببارد، آنها از ترس مرگ انگشت در گوش خود می‌گذارند تا صدای صاعقه را نشنوند و خداوند به کافران احاطه دارد و در قبضه قدرت او هستند. (۱۹) روشنائی خیره‌کننده برق نزدیک است چشم آنها را برباید، هر لحظه‌ای که برق جستن می‌کند (صفحه بیابان را) برای آنها روشن می‌سازد (چند قدمی) در پرتو آن راه می‌روند و هنگامی که خاموش می‌شود توقف می‌کنند و اگر خدا بخواهد گوش و چشم آنها را از بین می‌برد، خداوند بر هر چیز تواناست. (۲۰)

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.